تشابه اسمی دو شاعر

سعادت، س

امتیاز دیگر این فرهنگ این است که برای هر معنی معمولا شاهدی از آثار کتبی به دست می‏دهد.حدود چهارصد اثر،شامل آثار نظم و نثر قدما و آثار جدید،به این منظور بررسی شده است.از جمله‏ی آثار جدید،آثار جمال‏زاده،صادق هدایت،بزرگ علوی،جلال‏ آل احمد،جمال میرصادقی،محمود دولت‏آبادی،هوشنگ گلشیری، اسلامی ندوشن،احمد محمود،شهرنوش پارسی‏پور،بامداد خمار حاج سید جوادی و شکوفایی داستان کوتاه در دهه‏ی نخستین‏ انقلاب به کوشش صفدر تقی‏زاده است که شامل داستان‏های کوتاه‏ عده‏یی از نویسندگان از جمله گلی ترقی،امیرحسین چهل تن،منیرو روانی‏پور،غلام حسین ساعدی،هوشنگ عاشورزاده،اصغر عبد اللهی، ابراهیم گلستان،جعفر مدرس صادقی،شهریار مندنی‏پور و نیز آثار جعفر شهری،و از دانشمندان و اهل قلم،من جمله خاطرات و خطرات مخبر السلطنه و یادداشت‏های قزوینی و نقد حال مینوی‏ و چند اثر از زرین‏کوب و مجله‏ی یادگار و چند ترجمه.

به گمان من،به جا بود اگر آثار دشتی به مناسبت سبک خاص‏ نویسندگی‏اش و به کار بردن برخی کلمات عربی و فرانسوی و هم‏چنین آثار نویسندگان حزب توده مثل احسان طبری و بعضی‏ متفکران چپ‏گرا مثل خلیل ملکی از لحاظ بعضی کلمات تازه‏یی که‏ برای بیان عقاید مارکسیستی و آرای اجتماعی به کار برده‏اند،و نیز احمد کسروی باز به مناسبت سبک خاص او و برخی لغات برساخته‏ که عده‏یی از آن‏ها را سره‏نویسان امروز هم به کار می‏برند،و برخی از همین نویسندگان مثل ابو القاسم پرتو و برخی نوشته‏های فارسی.. بهاء..عبد البهاء..و نیز ترجمه‏ی تورات و انجیل در کنار چند ترجمه‏ و تفسیر قرآن مورد بررسی قرار می‏گرفت.بعید نیست که نپرداختن‏ به بعضی از این‏ها،مولود جوّ سیاسی ایران بوده باشد.

معانی کلمات شماره‏گذاری شده و برای هر معنی معمولا شاهدی یا بیش از یک شاهد با ذکر نام مؤلف و صفحه‏ی مربوط قید گردیده-کاری که در فرهنگ معین انجام نگرفته بود و در لغت‏نامه‏ی دهخدا به صورت ناقص و نامنظم،هرچند گسترده،انجام‏ گرفته است.طبعا فضل تقدّ این دو اثر گران‏مایه را باید هم‏چنان‏ ملحوظ داشت.تلفظ کلمات با خط لاتین به دست داده شده.ترکیبات‏ کلمات پس از هر«سرواژه»با معنی و مثال می‏آید.کلماتی که در محاوره به کار می‏رود،همه با قید«گفت‏وگو»میان دو هلال و هم‏چنین کلماتی که به کار بردن آن‏ها پسندیده نیست یا دور از ادب‏ است،با علامت مخصوص ثبت گردیده است.

بی‏تردید این فرهنگ قدم بزرگی در راه تکامل فرهنگ‏نگاری در ایران به شمار می‏رود.باید امیدوار بود که در چاپ‏های بعدی‏ اصطلاحات فارسی افغانستان و تاجیکستان و اصطلاحاتی که در آثاری که در هندوستان تألیف‏شده و شامل اصطلاحات مخصوص‏ است،نیز درج گردید.

باید به آقای دکتر انوری و همه‏ی همکاران‏شان و هم‏چنین‏ آقای علی اصغر علمی که تاکنون آثار بسیاری از دانشمندان‏ برجسته‏ی ایران را به طبع رسانده است،تبریک گفت.

در مدینه

اثر طبع فاطمه عربشاهی سبزواری

آمدم با صد هزاران شوق از ایران‏زمین‏ تا زنم بس بوسه بر خاک و دیار شاه دین‏ آمدم تا دست اندازم به دامان رسول‏ تا بگویم درد دل‏هایم به زهرای بتول‏ آمدم تا آنکه زهرایم رهاند از جحیم‏ دست ما گیرد،برد ما را به جنّات نعیم‏ آمدم تا در دعا کوشم برای دیگران‏ چون اجابت می‏کند یزدان دعا در این مکان‏ در مدینه،حق کند حاجت روا ما را یقین‏ چون‏که پیغمبر بود محبوب ربّ العالمین‏ بارالها؛در همه عالم تو ما را دست گیر چون تو دانی چیست ما را در دل و اندر ضمیر جرم من یکسر ببخش و حاجت من کن روا چون تو مقصود منی،ای خالق ارض و سما هر کجا رو آورم،بینم تو را ای کردگار بر من بی‏کس ترحّم کن به حق هشت و چار بندگانت جملگی محتاج اکرام تواند منتظر هر روز و شب بر لطف و انعام تواند کن روا حاجات‏شان را ای خداوند کریم‏ چون تو هم بخشنده‏یی و هم رؤوف و هم رحیم

مدینه،20/1/1384؛در اتوبوس به محض ورود به مدینه النبی

در ماهنامه‏ی فروردین 84(شماره‏ی 13)،شعری از دکتر عباس کی‏منش(مشکان‏ گیلانی)تحت عنوان«تشابه اسمی»ایشان با استاد عباس کی‏منش(مشفق کاشانی) درج شده بود.آقای س.سعادت در پاسخ دکرت کی‏منش این شعر را سروده‏اند:

چنین دیدم در آن مه‏نامه عنوان‏ ز مشکان،دانشی مرد سخندان‏ که هم‏نام‏اند برحسب تصادف‏ جناب مشفق و آقای مشکان‏ ولی فرقی‏ست این‏جا در میانه‏ که مشکان گرامی کرده کتمان‏ اگرچه«سیو»می‏باشد همان سیب‏ ولی هرگز نشد سیب زنخدان‏ یکی دستان‏سرایی چیره‏طبع است‏ یکی رستم صفت فارغ ز دستان‏ درآرد این گلیم خویش از موج‏ و آن مستغرق احوال انسان‏ غلام همت آزاده مردم‏ ز کاشان است یا از خاک گیلان